

*Baha'i International Community's Contribution to the 18th Session of the United Nations
Commission on Sustainable Development*

NEW YORK—3 May 2010

ترجمه غیر رسمی و غیرنهایی

بازاندیشی رفاه: پدید آوردن بدیل‌هایی برای فرهنگ مصرف‌گرایی^۱

بیانیهٔ جامعهٔ جهانی بهائی جهت مشارکت در هجدهمین اجلاس کمیسیون سازمان ملل متحد پیرامون موضوع توسعهٔ پایدار

نیویورک - ۳ مه ۲۰۱۰

در پس‌زمینه‌ای از تغییرات آب‌وهوایی، تخریب محیط زیست و وضعیت فلج‌کنندهٔ فقر فاحش و ثروت مفرط، تحول از فرهنگ مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته به فرهنگی پایدار، تا حد زیادی به واسطهٔ تلاش‌های سازمان‌های جامعهٔ مدنی و نهادهای دولتی در سراسر جهان شتاب گرفته است. این تحول، و رای نیاز به سیاست‌های آگاهانه و «فن‌آوری‌های سبزتر» مستلزم بررسی صادقانهٔ فهم ما از ماهیت انسان و چارچوب‌های فرهنگی‌ای خواهد بود که مؤسسات دولتی، آموزشی، رسانه‌ای و کسب و کار را در سراسر جهان به پیش می‌رانند. این پرسش‌ها که چه چیز طبیعی و عادلانه است باید بار دیگر به طور انتقادی مورد سنجش قرار بگیرند. مسئلهٔ تولید و مصرف پایدار که موضوع مورد بررسی این کمیسیون است باید در زمینهٔ وسیع‌تر و به عنوان جزئی از نظم اجتماعی بیماری که رقابت، خشونت، تضاد و ناامنی از مشخصه‌های آن است در نظر گرفته شود.

جامعهٔ جهانی بهائی به عنوان مشارکت در بررسی «چارچوب ده‌سالهٔ برنامه‌ها» در زمینهٔ تولید و مصرف پایدار که توسط این کمیسیون در حال انجام است، مایل است ابتدا به نقاط قوت این چارچوب در حال تکامل اشاره کند و در ثانی در راستای بینشی که خطوط کلی‌اش در بالا مطرح شد، مسائلی را مشخص نماید که نیازمند شرح و بسط بیشتری است. در رابطه با نقاط قوت: این چارچوب جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گذار به مصرف و تولید پایدار را در نظر می‌گیرد و بدین ترتیب چندپارگی دیرینهٔ این حوزه‌ها را در هم می‌شکند؛ هم‌پیوندی‌های موضوعات مختلف این چارچوب (مانند آموزش، توان‌مندسازی مؤسسات، مشارکت زنان، بکارگیری دانش بومی و غیره) را تصدیق می‌کند؛ از

^۱ نسخه ۱.۱.۱

طریق مشورت‌های منطقه‌ای در صدد دخیل کردن ذی‌نفعان سراسر جهان بوده است و برای دستیابی به اهدافی که در آن مشخص شده از نقش‌آفرینانی از تمام سطوح اجتماع دعوت به عمل می‌آورد.

این چارچوب درصدد ایجاد تغییر به سمت تولید و مصرف پایدار است و به طور ضمنی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی‌ای را به چالش می‌کشد که مصرف‌گرایی را به هر قیمتی ترویج نموده‌اند. از این رو، برای پیشبرد هدف‌های مشخص شده در آن لازم است برخی مفاهیم زیربنایی مورد بررسی قرار گیرند و در بسیاری موارد در آن‌ها تجدید نظر شود. از جمله این موارد عبارتند از: ماهیت انسان، ماهیت توسعه (و پیشرفت و رفاه)، ماهیت و دلایل بحران‌های اقتصادی اخیر، فرآیندهای توسعه تکنولوژیک و وسایل و اهداف فرآیندهای آموزشی. از دیگرانی که فعالانه در جهت ترویج تولید و مصرف پایدار تلاش می‌کنند دعوت می‌نماییم که پیرامون این مسائل زیربنایی با ما وارد گفتگو شوند، تا از دیدگاه‌ها و تجارب یکدیگر بیاموزیم و تلاش‌هایمان را به صورت جمعی جهت ساختن اجتماعی عادلانه و پایدار به پیش بریم.

ماهیت انسان

مسئله ماهیت انسان جایگاه مهمی در گفتمان تولید و مصرف پایدار دارد زیرا ما را بر آن می‌دارد تا در عمیق‌ترین سطوح به ارزیابی مجدد اینکه ما که هستیم و هدفمان در زندگی چیست بپردازیم. تجربه انسانی اساساً در سرشت خود، روحانی است: این تجربه ریشه در واقعیتی درونی یا آنچه که برخی آن را «روح» می‌نامند دارد که همه ما در آن مشترک هستیم. با این وجود، فرهنگ مصرف‌گرایی ترجیح داده است که انسان‌ها را به مصرف‌کنندگان رقابت‌جو و سیری‌ناپذیر کالا و بازیچه دست بازار تقلیل دهد. دیدگاه‌های رایج، وجود تضادی آشفتنی‌ناپذیر میان آنچه مردم واقعاً به دنبال آن هستند (یعنی مصرف بیشتر) و آنچه بشریت محتاج آن است (یعنی دسترسی عادلانه به منابع) فرض می‌کنند. پس چگونه می‌توانیم این تناقض فلج‌کننده را حل کنیم، این که ما از یک سو خواهان جهانی دارای صلح و رفاه هستیم در حالی که از دیگر سو اغلب نظریه‌های روانشناختی و اقتصادی انسان‌ها را به عنوان بردگان منافع خود به تصویر می‌کشند؟ قوای مورد نیاز برای ساختن یک نظم اجتماعی عادلانه‌تر و پایدارتر از جمله اعتدال، عدالت، عشق، عقلانیت، از خودگذشتگی و خدمت به نفع عموم اغلب به عنوان ایده‌آلهایی ساده‌انگارانه کنار گذاشته شده‌اند. با این حال همین موارد و دیگر خصلت‌های مرتبط با آن‌ها هستند که باید بکار گرفته شوند تا بتوان بر صفات برآمده از نفس، حرص، بی‌تفاوتی و خشونت غلبه کرد، صفاتی که اغلب توسط بازار و نیروهای سیاسی‌ای که الگوهای کنونی تولید و مصرف ناپایدار را به پیش می‌رانند پاداش داده می‌شوند.

بینش نسبت به توسعه

به نحوی مشابه، بیان روشن و صریح بینشی نسبت به پایداری باید برخاسته از گفتمانی عمومی حول موضوع ماهیت و هدف توسعه انسانی و وظایفی که به نقش‌آفرینان آن سپرده می‌شود باشد.

جامعه جهانی بهائی گذار به تولید و مصرف پایدار را بخشی از یک مشروع جهانی می‌داند که تمام افراد را قادر می‌سازد تا به هدف دوجانبه خود، یعنی رشد و توسعه استعدادهای بالقوه و فطری خود و مشارکت در بهبود گستره اجتماع، دست یابند. اینکه تولید و مصرف پایدار را به معنای ایجاد فرصتهایی برای فقرا جهت برطرف کردن نیازهای اولیه‌شان در نظر گیریم کافی نیست. بلکه با درک اینکه هر فرد سهمی در ساخت نظم اجتماعی عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر دارد، این فرآیندها باید طوری ترتیب داده شوند که به هر فرد اجازه دهند تا به عنوان عضو مفیدی از اجتماع نقش مشروع خود را ایفا نماید. در چنین چارچوبی، تولید و مصرف پایدار می‌توانند به عنوان فرآیندهایی توصیف شوند که نیازهای مادی، اجتماعی و روحانی بشریت در تمام نسل‌ها را تأمین می‌نمایند و همگان را قادر می‌سازند که در پیشرفت مستمر اجتماع سهیم باشند.

اکنون لازم است پیشرفت در سطوح فنی و سیاست با گفتگویی عمومی پیرامون بنیان‌های اخلاقی این تغییر ضروری همه‌جانبه میان شهرنشینان و روستاییان؛ ثروتمندان و آنانی که از نظر مالی بنیه ضعیفی دارند؛ زنان، مردان و جوانان همراه شود. یک نظم اجتماعی پایدار به واسطه اخلاق عمل متقابل و توازن در تمام سطوح سازماندهی انسانی، متمایز می‌شود. یک تمثیل مرتبط، بدن انسان است: در بدن، میلیون‌ها سلول با یکدیگر همکاری می‌کنند تا حیات انسانی را ممکن سازند. تنوع حیرت‌انگیز شکل و کارکرد، آنان را در فرآیند مادام‌العمر ارائه و دریافت به یکدیگر متصل می‌سازد. این بالاترین نمود وحدت در کثرت است. در چنین نظمی، مفهوم عدالت در تشخیص این تجسم می‌یابد که منافع فرد و گستره جامعه به نحو جدایی‌ناپذیری به یکدیگر مربوطند. جستجوی عدالت در زمینه وحدت (در کثرت)، راهنمایی برای تامل و تصمیم‌گیری جمعی ارائه می‌کند و وسیله‌ای فراهم می‌سازد که با آن می‌توان به فکر و اقدام هماهنگ دست یافت.

در نهایت، تحول مورد نیاز برای تغییر به سمت تولید و مصرف پایدار مستلزم تغییری ارگانیک در خود ساختار اجتماع خواهد بود تا جایی که اجتماع بتواند به طور کامل بهم وابستگی کل پیکره اجتماعی و نیز بهم پیوستگی‌اش را با جهان طبیعی که حیات آن را تداوم می‌بخشد، منعکس سازد. در میان این تغییرات، که بسیاری از آن‌ها هم‌اکنون نیز در کانون توجه گفتمان‌های عمومی قابل‌ملاحظه‌ای قرار دارند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آگاهی از شهروندی جهانی؛ تشکیل فدارسیون‌های تمام‌ملت‌ها به واسطه یک نظام حکمروایی یکپارچه با قابلیت تصمیم‌گیری جهانی؛ تأسیس ساختارهایی که مالکیت مشترک بشریت بر منابع کره زمین را به رسمیت می‌شناسند؛ برقراری برابری کامل میان زنان و مردان؛ رفع تمام اشکال تعصب؛ تأسیس واحد پول جهانی و سایر سازوکارهای انسجام‌بخشی که عدالت اقتصادی را ترویج می‌کنند؛ برگزیدن یک زبان کمکی بین‌المللی برای تسهیل فهم متقابل و صرف هزینه‌های سنگین نظامی در جهت اهداف اجتماعی سازنده.

بحران نظام اقتصادی کنونی

همان‌طور که واضح است مدل غالب توسعه، متکی بر اجتماعی از مصرف‌کنندگان پرشور کالاهای مادی است. در چنین مدلی، همواره سطوح بالاتری از مصرف به عنوان شاخص پیشرفت و رفاه در نظر گرفته می‌شوند. این

اشتغال ذهنی برای تولید و انباشت اشیاء و اسباب آسایش مادی (به عنوان منشاء معنا، سرور و پذیرش اجتماعی) با حذف پارادایم‌ها و صداهای رقیب، خود را در ساختارهای قدرت و اطلاعات تحکیم کرده است. ترویج لجام گسیخته نیازها و خواسته‌ها منجر به نظامی شده است که تماماً متکی بر مصرف بیش از حد اقلیتی مرفه است، حال آنکه محرومیت، فقر و نابرابری را برای اکثریت تشدید می‌کند. هر یک از بحران‌های پی‌درپی جهانی اعم از بحران اقلیمی، انرژی، غذا، آب، بیماری و سقوط مالی، ابعاد تازه‌ای از بهره‌کشی و ظلمی که در ذات الگوهای کنونی تولید و مصرف وجود دارد را آشکار کرده است. میان مصرف کالاهای لوکس و هزینه تأمین نیازهای اولیه، شکاف فاحشی وجود دارد: هزینه تحصیلات ابتدایی برای همه ۱۰ میلیارد دلار می‌باشد؛ با این حال تنها در آمریکا سالانه ۸۲ میلیارد دلار صرف سیگار می‌شود. هزینه ریشه کن کردن گرسنگی در جهان ۳۰ میلیارد دلار است و آب و بهداشت عمومی ۱۰ میلیارد دلار. در مقایسه بودجه نظامی جهان در سال ۲۰۰۸ تا ۱,۵۵ تریلیون دلار افزایش یافت.

جهان‌بینی تنگ‌نظرانه ماده گرا که زیربنای بیشتر تفکر اقتصادی مدرن را تشکیل می‌دهد به تباهی رفتار انسان، فروپاشی خانواده‌ها و جوامع، فساد موسسات عمومی و بهره‌کشی و به حاشیه راندن بخش‌های عظیمی از جمعیت - به خصوص زنان و دختران دامن زده است. بی‌تردید فعالیت اقتصادی و تقویت اقتصاد (رونندی که مترادف با رشد اقتصادی نیست اما می‌تواند دربرگیرنده آن باشد) نقشی محوری در دستیابی به رفاه برای یک منطقه و مردمانش ایفا می‌کند. با این حال تغییر به اجتماعی عادلانه‌تر، صلح‌آمیزتر و پایدارتر مستلزم توجه به بویایی هماهنگ میان ابعاد مادی و غیر مادی (یا اخلاقی) مصرف و تولید خواهد بود. مورد اخیر به خصوص برای بنا نهادن پایه روابط انسانی عادلانه و صلح‌آمیز ضروری خواهد بود. این ابعاد غیر مادی شامل تولید دانش، ایجاد اعتماد و امانت، ریشه کن کردن خشونت و نژادپرستی، ترویج هنر، زیبایی، علم و توان‌مندی همکاری و حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات و درگیری‌ها است.

در این پرتو، همچنین مهم است که بر رابطه میان تولید و اشتغال به عنوان یک بعد ضروری از اقتصاد قوی تأکید نماییم. اغلب، افزایش قدرت تولید و بهره‌وری با جابه‌جا کردن افراد از محل سکونتشان یا روی آوردن به خودکارسازی، و در نتیجه بیکاری فزاینده همراه بوده است. همچنین تمرکز تک بعدی بر افزایش سود، هر جا که امکانش بوده از کاهش نیروی انسانی استقبال کرده است. تحت نظام کنونی، بیکاری و نیمه‌بیکاری به سرعت رو به افزایش است و اکثر جمعیت دنیا به میزانی که پاسخگوی نیازهای اولیه‌شان باشد درآمد ندارند. در چنین نظامی آنانی که در فقر به سر می‌برند هیچ وسیله‌ای برای ابراز خود ندارند. تولید پایدار صرفاً به معنای فن آوری «سبزتر» نیست، بلکه باید دربرگیرنده نظام‌هایی باشد که تمام انسان‌ها را قادر سازد در فرآیندهای تولید مشارکت کنند. در چنین نظامی، همه تولیدکننده هستند و همه فرصت این را دارند که به میزانی که پاسخگوی نیازهای اولیه‌شان باشد کسب درآمد (یا در صورت عدم امکان، دریافت درآمد) داشته باشند. کار، فراتر از آن که صرفاً وسیله‌ای برای تولید ثروت و برآورده کردن نیازهای اولیه باشد، در جامعه نقش ایفا می‌کند، در شکوفایی استعدادهای فرد و تهذیب شخصیت او موثر است و موجب حرکت فرد در مسیر خدمت و مشارکت او در پیشرفت اجتماع می‌شود.

توسعه فن آوری

«چارچوب برنامه‌ها» بر اهمیت انتقال فن آوری و به اشتراک گذاشتن دانش برای رسیدن به سطوح پایدار تولید و مصرف تأکید دارد. اما بخش اعظم توسعه فن آوری توسط آن دسته نیروهای بازار هدایت می‌شود که منعکس‌کننده نیازهای پایه‌ای مردم جهان نیستند. به علاوه، تأکید بر انتقال فن آوری بدون تلاش توأم برای افزایش مشارکت در تولید و به‌کارگیری دانش، تنها به افزایش شکاف میان غنی و فقیر، میان «توسعه‌دهندگان» و «مصرف‌کنندگان» فن آوری می‌انجامد. توان‌مندسازی برای تشخیص نیازها، نوآوری‌ها و سازش‌های لازم در زمینه فن آوری با در نظر گرفتن نیازهای اجتماع و محدودیت‌های زیست‌محیطی، برای پیشرفت اجتماعی حیاتی خواهد بود. متحول ساختن واقعیت‌های اجتماعی‌ای پیچیده نیازمند توسعه توان‌مندی موسساتی در جمعیت‌های محلی خواهد بود تا دانش را به نحوی که پاسخگوی نیازهای به خصوص آن جمعیت است تولید کرده و به کار برند. مسئله توان‌مندی موسساتی (برای مثال، تأسیس مراکز منطقه‌ای تحقیق و آموزش) چالش عمده‌ای در مسیر توسعه پایدار است. هر چند، اگر به درستی با آن برخورد شود، در نتیجه جریان نامتوازن کنونی دانش در جهان متوقف می‌شود و توسعه از روندهای نسنجیده مدرن‌سازی، تفکیک خواهد شد. از مشخصات فن آوری‌های «مدرن» جهت‌گیری آن‌ها برای پرداختن به نیازهایی خواهد بود که در سطح محلی و با در نظر گرفتن رفاه مادی و معنوی کل اجتماع تعریف شده‌اند.

آموزش

«چارچوب برنامه‌ها» آموزش و توان‌مندسازی موسساتی را به عنوان دو برنامه‌ای که می‌توانند به پیاده‌سازی الگوهای پایدار تولید و مصرف کمک نمایند تعیین کرده است. با این حال، اگر قرار باشد این دو منجر به تغییرات عمیق در اذهان مردم و در ساختارهای اجتماع شوند (که لازمه تغییر به سمت پایداری است)، نیاز خواهد بود که ماهیت فرایندهای آموزشی، مورد بازاندیشی قرار گیرد. به عنوان نقطه شروع، آموزش باید مبتنی بر بینشی واضح از آن نوع اجتماعی که آرزوی زندگی در آن را داریم و همچنین آن نوع افرادی که آن را پدید خواهند آورد باشد. آموزش باید به دانش‌آموزان کمک کند تا درباره هدف زندگی تامل نمایند، برای یافتن بینش و رویکردهای متفاوت به مسائل موجود، از واقعیت‌های فرهنگی خود پافراتر نهند، پیامدهای چندجانبه رفتارهای خود را درک کنند و آن‌ها را بر همان قرار تعدیل نمایند.

مدارس، خود، باید در فرآیندهای تحول اجتماعی مشارکت جویند. برنامه درسی نمی‌تواند صرفاً انتقال دانش و مهارت‌های مربوطه را هدف قرار دهد؛ بلکه هدف باید شکوفایی استعدادهای بالقوه عظیم انسان‌ها باشد. افراد باید یاری شوند تا استعدادهای بالقوه خود را در مسیر بهبود جوامعشان و پیشرفت اجتماع به عنوان یک کل بکار گیرند. آن سطح از آگاهی و روحیه خدمت و همکاری که برای متحول ساختن رفتارهای فردی و نیروهای موسسات در مسیر دستیابی به پایداری لازم است، مستلزم تحول فرآیندهای آموزشی در تناسب با وظیفه موجود خواهد بود.

رویکرد جامعه‌بھائی به تحول فرهنگی

تحول فرهنگی مستلزم تغییراتی سنجیده در انتخاب‌های فردی و ساختارها و هنجارهای موسسات است. برای بیش از یک دهه، جامعه جهانی بهائی به طور سیستماتیک برای ایجاد تحول در افراد و جوامع در سراسر دنیا، برای الهام‌بخشی به خدمت و توان‌مندسازی برای آن در حال تلاش بوده است. چارچوب اقدامی که این فعالیت‌ها را هدایت می‌کند ریشه در پویش یادگیری داشته است، فرآیندی که اقدام، تامل و مشورت از ویژگی‌های بارز آن هستند. در هزاران جامعه، بهائیان فرآیندهایی را در سطح محله‌ها آغاز کرده‌اند که هدفشان توان‌افزایی افرادی از تمام سنین برای تشخیص و پرورش توان‌مندی‌های روحانی خود و استفاده از قوای جمعی‌شان در مسیر بهبود جوامعشان بوده است. آنان با آگاهی از اشتیاق کودکان جهان و نیازشان به آموزش روحانی، کلاس‌هایی برای کودکان راه‌اندازی کرده‌اند که بر بنیان نهادن پایه‌های شخصیت شریف و درستکار تمرکز دارند. برای نوجوانان یازده تا چهارده سال، فضاهایی برای یادگیری ایجاد نموده‌اند که به آنان کمک می‌کند تا در این مقطع سرنوشت‌ساز از زندگی‌شان هویت اخلاقی خود را شکل دهند و مهارت‌هایی کسب نمایند که آنان را برای صرف قوای سازنده و خلاق خود در مسیر بهبود جوامعشان توان‌افزایی می‌نماید. همگان این امکان را دارند که در گروه‌های کوچکی شرکت کنند که هدف آن‌ها یادگیری مشارکتی حول مفاهیم اساسی و موضوعاتی است که افراد را تشویق می‌کنند تا با حالت یادگیری و روحیه خدمت عاملان ایجاد تغییر در جوامعشان گردند.

رویکرد تدوین برنامه آموزشی برای این فعالیت‌ها از نوع طراحی، آزمایش میدانی و ارزیابی نبوده است؛ بلکه اولین قدم در نوشتن هر مجموعه از مطالب زمانی برداشته شده است که تجاربی از اقدامات سطح توده مردم در پاسخ به نیازهای مشخصی در زمینه توسعه حاصل شده باشد. محتوای برنامه آموزشی به طور مداوم در پرتوی دانش و بصیرت‌های جدید اصلاح می‌گردد. تغییرات فرهنگی حاصل، خود را در توان‌مندی بیشتر برای اقدام جمعی، درک فرد به عنوان عامل تغییر در جامعه، به عنوان نوآموزی فروتن و شرکت‌کننده‌ای فعال در تولید، انتشار و کاربست دانش، هویدا می‌سازند. چرخه مداوم یادگیری از طریق اقدام، تامل و مشورت، از یک سو آگاهی از نیازها و منابع در سرتاسر جوامع را ارتقا داده است و از سوی دیگر سازوکارها برای اقدام و بررسی جمعی را تقویت نموده است.

به علاوه، متخصصان زمینه‌های گوناگون در قالب سازمان‌هایی الهام‌گرفته از اصول و ارزش‌های بهائی به یکدیگر پیوسته‌اند تا برای تولید و مصرف پایدار فعالیت کنند. «انجمن کسب و کار بهائی اروپا»^۲ و هیئت‌های وابسته به آن در سایر مناطق مشغول کار با رهبران تجاری هستند تا هدف‌هایی اجتماعی و رای سود از جمله پایداری در فرآیندهای تولید و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را در نظر بگیرند. «انجمن بین‌المللی زیست‌محیطی»^۳ سال‌هاست سبک زندگی پایدار و مصرف اخلاقی را ترویج کرده است از جمله عضویت در مجموعه سابق «شبکه حقوق شهروندی مصرف‌کنندگان اروپا»^۴ و در حال حاضر همکاری با سازمان «مشارکت برای آموزش و تحقیق برای زندگی مسئولانه»^۵.

^۲ European Baha'i Business Forum

^۳ The International Environment Forum

^۴ Consumer Citizenship Network in Europe

جنبش بازتعریف هنجارهای فرهنگی در پرتو مقتضیات عدالت و پایداری تا حد زیادی به راه افتاده است. اصلی‌ترین سازمان‌های فرهنگی از جمله دولت‌ها، موسسات آموزشی و رسانه‌ای، کسب و کارها، سازمان‌های مذهبی و جامعه مدنی هر یک به درجات مختلف ارزش‌های پایداری را به صف اول آگاهی عمومی می‌آورند. بینش‌های وسیع‌تر نسبت به هدف انسان و رفاه او از حاشیه به کانون گفتمان‌های عمومی حرکت کرده‌اند. واضح است که مسیر دستیابی به پایداری، مستلزم توان‌افزایی، همکاری و فرآیند مداوم پرسش‌گری، یادگیری و اقدام در تمام مناطق جهان خواهد بود. همان‌طور که زنان، مردان، کودکان، ثروتمندان، فقرا، حکمرایان و افراد تحت حکمروایی، هر یک این توانایی را می‌یابند که نقش به حق خود را در ساخت اجتماعی جدید ایفا کنند، تجارب آن‌ها مسیر دستیابی به پایداری را شکل می‌دهد. با فروکش کردن موج مصرف‌گرایی، مصرف‌لجام‌گسیخته، فقر مفرط و انزوای اجتماعی، توان‌مندی‌های انسان برای عدالت، عمل‌متقابل و سرور آشکار خواهد شد.

⁵ Partnership for Education and Research for Responsible Living